طلوع کازرون

تنوع ارتباط با روزنامه طلوع

پیامک روزنامه طلوع ۰۹۳۸۹۴۷۲۲۵۲

فاکس دفتر شیراز: ۲۳۴۴۷۷۱ - ۰۷۱۱

فاکس دفتر کازرون: ۲۲۲۹۲۴۶ - ۰۷۲۱

ایمیل: tolou2@yahoo.com

زیر نظر: شورای نویسندگان روزنامه طلوع در کازرون

آدرس: کازرون - خیابان قدمگاه - تلفکس: ۲۲۲۹۲۴۶-۰۷۲۱

یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ ▣ سال بیستم ▣ شماره ۱۴۲۸ ▣ صفحه ۹

جانشین و فرمانده یگان حفاظت زندان شهرستان کازرون:

بسیار خرسندم کمیته امداد، به غیر از دغدغه های معیشتی قشر آسیب پذیر جامعه، مسائل فرهنگی و دیگر آسیبهای اجتماعی را در دستور کار دارد

واحد فرهنگی کمیته امداد امام خمینی کازرون همایش مواد مخدر و اعتیاد را جهت مددجویان تحت حمایت برگزار نمود.

به گزارش روابط عمومی امداد امام خمینی کازرون، واحد فرهنگی کمیته امدادامام خمینی کازرون به مناسبت فرا رسیدن میلاد با سعادت مولای متقیان، علی (ع) همایش مواد مخدر و اعتیاد را جهت دانش آموزان و دانشجویان تحت حمایت در سالن اجتماعات امداد برگزار نمود.

در این همایش که با حضور مددجویان، دانش آموزان و دانشجویان تحت حمایت برگزار گردید، ابتدا جانشین و فرمانده یگان حفاظت زندان شهرستان کازرون در خصوص معضلات و مشکلات رفتاری و ناهنجاریهای اجتماعی که یکی از مهم ترین آنها اعتیاد به مواد مخدر است، سخنانی ایراد کرد و توجه دانش آموزان و دانشجویان تحت حمایت را نسبت به مواظبت و مراقبت از خود در خصوص دچار شدن به این معضل اجتماعی را یاد آور شد.

وی همچنین بیان کرد: بسیار خرسندم نهادی چون کمیته امداد، به غیر از دغدغه های معیشتی قشر آسیب پذیر جامعه، مسائل فرهنگی و دیگر آسیبهای اجتماعی را در دستور کار دارد و از اقدامات خوب و قابل تحسین واحد فرهنگی کمیته امداد شهرستان کازرون همین است که به صورت تخصصی قصد برخورد با پدیده شوم اعتیاد را محور کار خود قرار داده و دوشادوش نهادهای امنیتی بخشی از این بار سنگین را که مشکلات عدیده ای برای نهاد خانواده و جامعه به دنبال دارد، پیگیری می نماید. پذیرایی از مددجویان به عمل آمد و جلسه با ختم صلوات پایان پذیرفت.

●○●

جشن فرشتگان کوچک کمیته امداد قائمیه برگزار شد

به گزارش روابط عمومی امداد قائمیه، افراسیابی رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره) قائمیه اظهار داشت: با توجه به ایام خجسته ولادت ابوالایتام حضرت امیر المومنین علی (ع) و به پاس نکوداشت سنت والای اولین حامی علی (ع)، و ارزش گذاشتن به جایگاه رفیع ایتام واحد، اکرام کمیته امداد امام خمینی (ره) قائمیه با همکاری و تلاش چند روزه امدادگران اقدام به برگزاری جشن بزرگ و باشکوه همایش همای رحمت با هدف دعوت از حامیان و جشن تولد فرشتگان کوچک (جشن تولد ایتام) در فضای کاملا معنوی و سراسر عشق و محبت به ایتام با حضور امام جمعه حامیان، خیرین، مسئولین ادارات دو بخش کوهمره نودان و بخش چنارشاهیجان نمود که در این جشن با دعوت از هنرمندان طنز پرداز و ایجاد فضای کاملا شاد موجب کاهش غم فقدان پدر و تقویت روحیه امید در ایتام گردید.

همچنین مراسم برش کیک همراه با اهدای کادوی جشن تولد به ایتام از طرف امداد قائمیه و حامیان پایان بخش این جشن باشکوه بود.

برگزاری نمایشگاه نقاشی

اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کازرون بمناسبت فرا رسیدن میلاد با سعادت مولی الموحدین حضرت امیرالمومنین علی (ع) اقدام به برپایی نمایشگاه نقاشی در محل نگارخانه پرنیان نمود. این نمایشگاه شامل ۱۳۵ اثر از آثار هنرمند کازرونی فرشید دشتی بود. لازم به ذکر است فرشید دشتی مدت ۱۱ سال است که در زمینه هنر طراحی و نقاشی مشغول به فعالیت می باشد.

آگهی ابلاغ نتیجه کارشناسی ۳/۲۹۱

در خصوص اجرائیه کلاسه ۹۲۰۴۰۱۱۱۷۴۰۰۰۰۰۱/۱ پست بانک کازرون مستند به سند رهنی شماره ۶۰۶۳۶ - ۸۸/۷/۹ دفترخانه ۱۱۶ کازرون چون برابر نظریه کارشناسی رسمی دادگستری پلاک ۱۲/۱۴۲ واقع در قطعه ۶ بخش ۷ فارس ملکی آقای کیامرز روستا واقع در روستای بنه سید محمد رضا به مبلغ ۲۸۷۳۰۴۸۰۰ ریال و همچنین پلاک ۱۲/۵۶ واقع در قطعه ۶ بخش ۷ فارس ملکی آقای غلامرضا رنجبران واقع در خشت روستای بنه سید محمد رضا به مبلغ ۲۴۴۷۳۳۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده با توجه به اینکه آقای نوراله صفرزاده در آدرس اعلامی مندرج در سند رهنی شناسایی نگردیده برابر ماده ۱۸ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی نظریه کارشناسی به نامبرده ابلاغ می گردد. چنانچه اعتراضی دارد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت یک هفته با پرداخت مبلغ ۹۰۰۰۰۰۰ ریال به حساب کانون کارشناسان رسمی دادگستری و ارائه فیش آن به این اداره اعتراض خود را کتبا به این اداره اعلام دارد و در غیر این صورت عملیات اجرایی وفق مقررات صورت می گیرد. ۲۳۷/م الف

علیرضا کشوری - سرپرست ثبت اسناد و املاک خشت و کنارتخته

پیش بینی وضع هوای کازرون در یک هفته آینده از یکشنبه ۹۳/۲/۲۸ الی شنبه ۹۳/۳/۳

ایام هفته	دما درجه حرارت (C) حداقل	دما درجه حرارت (C) حداکثر	سرعت وزش باد (M/s)	طلوع خورشید	غروب خورشید
یکشنبه	۱۸	۳۴	۴	۶:۰۹	۱۹:۵۱
دو شنبه	۲۰	۳۴	۴	۶:۰۹	۱۹:۵۱
سه شنبه	۱۹	۳۶	۴	۶:۰۸	۱۹:۵۲
چهار شنبه	۱۹	۳۶	۴	۶:۰۸	۱۹:۵۳
پنج شنبه	۲۴	۳۷	۵	۶:۰۷	۱۹:۵۳
جمعه	۲۳	۳۸	۵	۶:۰۷	۱۹:۵۴
شنبه	۲۳	۳۹	۵	۶:۰۶	۱۹:۵۴

مدیرکل راه و شهرسازی فارس:

برای پروژه های جدید مجموعه ارتباطی شیراز به کازرون و بخش های تابعه آن در حال رایزنی و عقد قرارداد هستیم

هوشنگ عشایری در حاشیه بازدید از جاده در دست احداث وحدتیه خشت به گناوه و کلنگ زنی تعریض اتوبان کنارتخته به خشت که با حضور نماینده مردم این شهرستان و جمعی از مسئولان محلی صورت گرفت، اظهار داشت: در سال جاری افزون بر ۷۰ میلیارد تومان به پروژه‌های محور مواصلاتی شیراز - کازرون اختصاص یافت که تا دو ماه آینده با حضور وزیر راه و شهرسازی به بهره برداری می رسد.

مدیرکل راه و شهرسازی فارس ادامه داد: برای پروژه‌های جدید مجموعه ارتباطی شیراز به کازرون و بخش های تابعه آن حدود ۶۰ میلیارد تومان در حال رایزنی و عقد قرارداد هستیم که در سال جاری عملیات اجرایی آن آغاز می شود.

عشایری به جاده ارتباطی در دست احداث وحدتیه خشت به گناوه اشاره کرد و گفت: در حال حاضر افزون بر ۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان قرارداد برای اجرای عملیات این پروژه با پیمانکار بسته شده که تا اتمام آن به ۳۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است.

وی تصریح کرد: با اتمام پروژه جاده ارتباطی وحدتیه خشت به گناوه که حدود سه سال طول می کشد ۶۰ کیلومتر از فاصله کازرون به خوزستان را می کاهد.

مدیرکل راه و شهرسازی فارس در آیین کلنگ زنی تعریض اتوبان کنارتخته به خشت بیان کرد: عملیات اجرایی تعریض مسیر کنارتخته به خشت تا پایان سال جاری به اتمام می رسد و آماده بهره برداری می شود.

عشایری اتوبان کنارتخته به خشت را بسیار با اهمیت توصیف کرد و افزود: این اتوبان به محور ارتباطی وحدتیه - گناوه منتهی و باعث میان بر شدن آن می شود.

وی در پایان گفت: ۳ هزار واحد مسکن مهر در شهرستان کازرون وجود دارد که از این تعداد ۲ هزار و ۴۰۰ واحد آن به اتمام رسیده و ۶۰۰ واحد دیگر آن با مشکل روبه‌رو شده که در حال رفع آن هستیم.

آب، راه و بهداشت، درخواست روستاییان پوسکان کازرون از فرماندار

فرماندار کازرون به اتفاق چند تن از مسئولین با حضور در جمع مردم روستای محروم پوسکان مشکلات روستا را بررسی کرد. روستاییان پوسکان خواستار تامین آب شرب بهداشتی، راه و بهداشت مناسب از فرماندار شدند.

به گزارش خبرنگار ایرنا، حمید رضا گرامی فرماندار کازرون با حضور درروستای پوسکان از نزدیک با مسائل و مشکلات مردم این روستا آشنا شد. مردم این روستا که در یکی از نقاط دورافتاده شهرستان کازرون زندگی می کنند مسائل و مشکلات خود را با فرماندار و مسئولین درمیان گذاشتند.

اهالی این روستا که حدود ۵۰ خانوار هستند عمده مشکلاتشان را نداشتن راه ارتباطی مناسب، نداشتن آب اشامیدنی و نداشتن یک مرکز بهداشت حتی در حد تامین نیازهای بهداشتی اولیه ذکر کردند.

در این برنامه فرماندار کازرون با بررسی مشکلات مطرح شده اعلام کرد: ظرف یک ماه آینده ابرسانی به مردم از چاهی که قبلا حفر شده با همکاری شرکت آبفا و مدیریت برق شهرستان انجام می شود.

گرامی ادامه داد: مشکل ۲۵ کیلومتر راه ارتباطی این روستا که صعب العبور و کوهستانی است نیز در حد امکان راهگشائی می شود تا با تامین اعتبار در آینده تعریض شود.

فرماندار کازرون گفت: در باره راه اندازی مرکز بهداشتی در این روستا نیز با رایزنی در مرکز شهرستان تصمیم گیری خواهد شد.

آغاز برداشت محصولات شتوی از مزارع شهرستان کازرون

برداشت محصولات شتوی از حدود ۵۰ هزار هکتار اراضی تحت کشت شهرستان آغاز شد.

به گزارش روابط عمومی مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان کازرون محصولات شتوی در شهرستان برای کشاورزان از اهمیت بسزایی برخوردار است که معمولا کشت این محصولات بصورت دیم و آبی به ترتیب از ۱۵ و ۲۰ آبان ماه آغاز و بمدت یک ماه ادامه خواهد داشت.

همچنین برداشت این محصولات از اواسط اردیبهشت ماه آغاز و تا اواسط خرداد ماه ادامه نیز ادامه می یابد.

شایان ذکر است ارقام کشت شده توسط کشاورزان و به توصیه های فنی کارشناسان مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان کازرون بوده که شامل: دوروم، دوروم بهرنگ، چمران، شیرودی، کوه دشت و... می باشد.

ضمنا طبق پیش بینی کارشناسان این مدیریت عملکرد در هر هکتار محصولات شتوی بطور متوسط بصورت دیم ۱ تن و آبی ۳/۶ تن ارزیابی می شود.

گفتنی است سید عبدالصاحب قائمی مدیر جهاد کشاورزی شهرستان ضمن بازدید از روند برداشت این محصولات در مناطق مختلف ضمن بررسی اوضاع با مشکل کشاورزان در خصوص حمل گندم بصورت مستقیم روبرو شد که وی رایزنی های خود را در جهت رفع این مشکل آغاز نمود.

عبدو...

امان اله زارع

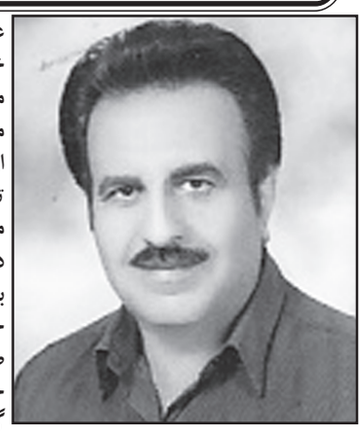

عبدو همیشه سحر با بانک خروس همسایه بیدار می‌شد، سپیده دم را دوست می داشت.

از "لو" پایین می آمد، "لو" تختی بود با چهار پایه دو متری از چوب دو شاخه که در وسط "اوشا" ساخته شده بود که عبدو و برادرش حمدالله که او را حمدو صدا می کردند برای حفاظت و نگهبانی از گوسفندان شب ها روی آن می خوابیدند. "اوشا" هم به آغول سرباز گوسفندان می گفتند که با چوب و خاردر گوشه ای از حیاط درست می کردند. عبدو در حالی که گوسفندان از اوشا بیرون می آمدند آنها را شمارش هم می کرد. تعداد گوسفندان کمی از شمارش انگشتان دستان عبدو بیشتر بود.

خانه آن ها زیاد از جاده اصلی فاصله نداشت. گوسفندان از اوشا که بیرون می‌آمدند راه بیابان را که از همانجا شروع می شد درپیش می گرفتند. گوسفندان عبدو به موازات جاده حرکت می کردند، یاد گرفته بودند که برای رفتن به آن طرف جاده باید از زیر پل گذر کنند! عبدو همیشه در راه رفتن شنگولش را بغل می کرد، نمی گذاشت خسته شود. شنگول بره سفید تپل و قشگی بود، هر روز چند تیکه از نانش را به او می داد. نه زیادی نانش بلکه قبل از اینکه سیر شود این کار را می کرد. عبدو شنگولش را خیلی دوست می‌داشت!

عبدو لوله های نفتی کنار جاده را هم که به سمت شهر و پالاشگاه ها کشانده شده بودند دوست می داشت زیرا پدرش گفته بود این لوله ها و همه چاه های نفت و پالایشگاه ها مال ماست یعنی مال همه است. البته حتما پدرش با یک ادبیات دیگر این سخن را بیان کرده بود، مثلا گفته بود نفت منابع ملی است و به همه تعلق دارد و باید از آن مواظبت کرد.

برخلاف بعضی از جوانان که طولانی ترین مسافتی را که در روز می پیمایند فاصله تختخواب تا میز کامپیوترشان است عبدو روزی ده ها فرسخ راه می‌رفت. از سپیده صبح تا زردی غروب پا به پای گوسفندانش پیش می‌رفت! عبدو کمی ساده بود. اهالی می گفتند عبدو "خل" است! در جامعه ما آدمی که همه چیز را زیبا ببیند، همه را دوست داشته باشد، همیشه خنده بر لب داشته باشد را "خل" می گویند! عبدو همه چیز را زیبا می دید، حتی بدی ها و زشتی ها را! به همه کمک می کرد و دست تمنا به سوی کسی دراز نمی کرد. عبدو همه را دوست می داشت اما شنگولش را بیش از همه و همه چیز، حتی شاید هم بیش از "حمدو"!! عبدو مرد صحرا بود، مرد کار و کوشش، نه از سرما هراسی داشت و نه از گرما! عبدو از خمیدگی های لوله های آهنین نفتی در بیابانهای آبادان می فهمید که آفتاب سوزان تابستان آبادان تا چه اندازه داغ است! همیشه پیراهن آبی دوست می داشت شلوارش سر زانوهایش پاره شده بود، کشکک هر دو زانویش را آفتاب سوزانده بود.

عبدو وقتی می دید لوله های قطورتری در کنار لوله های قدیمی خالی می کنند وحفاران چاههای نفت را عمیق تر می کنند خوشحال می شد. کاری نداشت که نفت چیست، کجا می آید و کجا می رود! همانطور که برایش مهم نبود گوسفندانشان را کی می دوشد، مادرش یا زن همسایه!

عبدو خوشحال بود که گوسفندانش ظهرها داخل لوله های قطوری که هنوز به هم وصل نشده بودند می خوابند و خودش هم با شنگولش در آنها قایم موشک بازی می کردند!

عبدو صبح ها با خودش یک بقچه که داخلش نان و خرما بود بر کمر می بست ویک پارچ خالی بر میداشت، او از خانه آب بر نمی داشت چون تا ظهر بجوش می آمد. هروقت تشنه می شد کنار جاده می ایستاد پارچش را نشان می داد، خیلی از ماشین ها شیشه های دودیشان را بالا کشیده و با سرعت های زیاد از کنار عبدو رد می شدند و بادشان او را تکان می داد! بعضی از ماشین ها که توقف می کردند تا به او آب دهند به او غذا هم تعارف می کردند اما او قبول نمی کرد و با اشاره به بقچه نانی که بر کمر بسته بود با لبخند از آنها تشکر می کرد! احسنت بر این کرامت نفس و بلند طبعی! از پستی و فرومایگی، دنائت، ذلت و خواری پرهیز می کرد. "عبدو سوار بر قله بلند کرامت نفس" بود!

وقتی خورشید به طرف مغرب سرازیر می شد و هوا به خنکی روی می آورد عبدو بر تخته سنگی می نشست و در نی می دمید.

من از بیگانگان هرگز ننالم — که بر من هرچه کرد آن آشنا کرد

عبدو شب های بیابان آبادان را دوست می داشت زیرا وقتی شب می شد شعله‌های آتش چاه های گاز همه جا را روشن می کرد، حتی داخل خانه شان را، حتی شب هایی که نفتی برای روشن کردن چراغ نفتی شان نداشتند! و در آن شب ها بود که عبدو خوب می فهمید پدرش راست گفته بود که ما هم در نفت و گاز سهم داریم، این شعله های آتش که زبانه می کشند و از دهانه چاه‌ها خارج می شوند برای روشنایی بخشیدن به زندگی ماست!

حمدو مثل عبدو بی غم نبود، غم های فراوانی درسینه داشت، آرزوهای فراوان در دلش پوسیده بود، غم عبدو، غم مادر که چشمهایش آب مروارید آورده بود، غم خواهرش "سکو" که هرشب بهانه دفترنقاشی و مداد رنگی می گرفت و با گریه خواب می رفت، غم شیونهای مادر بزرگش در سوک فرزندش!

حمدو بیش از سی بهار را پشت سر گذاشته بود بارها به مادرش گفته بود اگر یک وانت بار داشتم مانند جاسم پسر جاشو حیدر عروسی می کردم.

شب ها حمدو در نی می دمید. وقتی که دو برادر در وسط اوشا بر "لو" نشسته بودند "نی" عبدو را بر می داشت و در آن می دمید.

زدست دیده و دل هر دو فریاد — که هرچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز پولاد — زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

شب مادر به عبدو گفته بود که فردا به شهر می رود قرار است یارانه ها را واریز کنند. اگر واریز شده باشد برایت شلوار و یک پیراهن آبی خواهم خرید و ظهر هم منتظر بمان تا حمدو برایت غذای گرم بیاورد.

آن روز عبدو که از خواب بیدار شد انگار که حالش خوب نبود مادر بر پیشانیش دست گذاشت و گفت کمی تب داری از شهر برایت شربت تب برمی خرم. نزدیکی های ظهر بود عبدو حال و احوال هر روز را نداشت، میل نداشت مثل هر روز از روی لوله ها بپرد و بازی کند، چشم به راه حمدو هم بود.

گوسفندان کنار جاده می چریدند و هر از چندگاه سر بلند می کردند و به آمدورفت ماشین ها نگاه می کردند. عبدو در گرما بر تخته سنگی نشسته بود چشم بسوی روستایشان دوخته بود. نه آثاری از حمدو بود ونه تاق تاق موتورش. حمدو هرچه به هندل موتور پا میزد روشن نمی شد. مادر گفت عجله کن خیلی دیر شده عبدو هنوز ناشتاست! حمدو گفت بنزین ندارد، مادر گفت چرا بنزین نزدی؟ گفت پول نداشتم. ما در گوشه مینایش را از پشت سر به جلو انداخت گره اش را باز کرد یک برگ اسکناس چهار تا شده هزار تومانی در آورد و به حمدو داد تا به میدانک برود و بنزین بخرد اما حمدو گفت دیگر دیر شده با دوچرخه می روم.

عبدو از روی سایه اش می فهمید که بیش از دو ساعت از ظهر گذشته با اینکه احساس گرسنگی نمی کرد یک رخوت و سستی بی سابقه ای را درخودش احساس می کرد. برای اولین بار چشم از گوسفندان برداشته بود و گوسفندان بیشتر و بیشتر به شانه جاده نزدیک می شدند ماشین های شاسی بلند خارجی که شیشه هایشان را بالا کشیده بودند و معلوم بود چه هوای دلچسپی در بیابانهای آبادان دارند با سرعت های سرسام آور در رفت آمد بودند انگار که بنزین سوپرنه بلکه سوخت جت مصرف کرده بودند! حمدو هرچه دوچرخه را رکاب میزد باز نگاه پشت سر که می کرد تا از روستایشان زیاد فاصله نگرفته است!

عبدو در یک آن چشمش به جاده افتاد که شنگولش درست وسط جاده ایستاده و یک ماشین هم مثل رعد و برق ..... او دیگر چشمش شنگول را ندید فقط صدای وحشتناک اصابت اتوموبیل با شنگول بود که عبدو را نقش زمین ساخت!

حمدو همچنان سینه بیابان گرم و طاقت فرسای آبادان را می شکافت و پیش می رفت. داشت از نفس می افتاد تشنگی بر او غلبه کرده بود! از دور گوسفندان مانند نقطه های صفر ردیف شده نمایان می شد در ذهن حمدو گوسفندان مثل صفرهای رقم های سه هزار میلیا ردی! سیصدهزار میلیاردی! نهصدهزار میلیاردی! هزار هزار میلیاردی و ..... جلوه می کردند!

حمدو وقتی لاشه شنگول را در کنار جاده دید با صدای بلند فریاد زد عبدووو سر عبدو را از روی زمین بلند کرد آبی نداشت که بر پیشانیش بپاشد گوشش را روی قلبش گذاشت عبدو گوشه چشمش را باز کرد و آهسته گفت آآآب! حمدو پارچش را برداشت یقه چاک کرد وسط جاده پرید فریاد میزد آب آب عبدو عبدو!

وفردایش جوانان روستا غمناک در سایه کوتاه دیوار خانه آنها عده‌ای نشسته و عده‌ای سر پابودند گلدسته کوچکی که یک چادر مشکی رویش انداخته با یک قاب عکس عبدو با لبخند زیبایش اشک هر رهگذری را درمی آورد! در آن طرف گلدسته یک شلوار نو و یک پیراهن آبی از یک چوب لباسی آویزان بود! از بلند گوی کوچکی که بر روی گلدسته قرار داشت آوای نی عبدو بگوش می رسید:

من از بیگانه گان هرگز ننالم — که بر من هرچه کردآن آشنا کرد

آمار و اطلاعات اداره هواشناسی کازرون در هفته گذشته

تاریخ	دما درجه حرارت(c) حداقل	دما درجه حرارت(c) حداکثر	رطوبت حداقل	رطوبت حداکثر	بارندگی mm
۹۳/۲/۲۰	۲۱	۳۷	۱۶	۴۷	۰
۹۳/۲/۲۱	۲۰	۳۴	۱۸	۵۹	۰
۹۳/۲/۲۲	۱۹	۳۶	۱۵	۵۱	۰
۹۳/۲/۲۳	۲۲	۳۴	۱۷	۴۴	۰
۹۳/۲/۲۴	۱۸	۳۱	۲۱	۶۵	۰
۹۳/۲/۲۵	۱۷	۲۹	۲۵	۵۱	۰
۹۳/۲/۲۶	۱۸	۳۰	۲۹	۵۷	۰